

ریسک بیشتر = بانک ضعیف تر

گردآوری : عباس حسینی، کارشناس اداره مدیریت ریسک

موضوع بانک‌های ضعیف و مخاطراتی که می‌توانند برای صنعت بانکداری ایجاد کنند، سالهاست در کشورهای مختلف مطرح و تجربه شده است. در کشور ما نیز مدتی است صاحب‌نظران و مسئولان به این موضوع پرداخته و درخصوص آن اخطار داده‌اند. به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع، در ادامه گزیده مختصری از رهنمود کمیته بال که در جولای ۲۰۱۵ تحت عنوان «راهنمای شناسایی و برخورد با بانک‌های ضعیف» منتشر شده است ارائه می‌شود:

تعریف بانکهای ضعیف

یک بانک ضعیف، بانکی است که با اختلال در نقدینگی یا قدرت پرداخت دیون مواجه شده یا به زودی خواهد شد مگر آنکه در منابع مالی، پروفایل ریسک، مدل کسب و کار، کنترلها و سیستمهای مدیریت ریسک و یا کیفیت حاکمیت و مدیریت خود بهبود قابل ملاحظه ای در یک برنامه زمانی مشخص ایجاد کند.

نشانه ها و دلایل بروز مشکلات در بانکها

این مهم است که بین نشانه ها و دلایل مشکلات بانک تمایز ایجاد شود. نشانه‌های بانکهای ضعیف معمولاً کیفیت پایین دارایی ها ، عدم سوددهی ، از دست دادن سرمایه، اهرم بیش از اندازه(دارا بودن نسبت بزرگ اهرمی) ، دارایی های در معرض ریسک بالا (از نظر تمرکز ریسک)، مشکلات شهرت و نگرانی های نقدینگی است. دلایل مشکلات بانکهای ضعیف معمولاً می‌توانند به صورت یکی یا بیشتر از شرایط زیر ترسیم شوند: مدل کسب و کار ناکارآمد، حاکمیت نامناسب و ضعیف، تصمیم گیری های ضعیف مدیران ارشد و یا عدم هماهنگی ساختار انگیزشی درون سازمانی با منافع سهامداران و ذینفعان بیرونی.

معمولاً در معرض ریسک بیش از اندازه بودن، از دست دادن سرمایه، مشکلات نقدینگی و کمبود سرمایه به دلیل ضعف در حاکمیت شرکتی (نظارت ضعیف هیات مدیره، نبود چارچوب اشتباهی ریسک کارآمد) ، سیاستهای جبران خدمات و سیستمهای کنترل داخلی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر این فرآیندها، سیاستها و سیستم ها به اندازه کافی تقویت نشده اند تا بتوانند از بروز موارد زیر جلوگیری کنند:

شیوه های تسهیلات دهی ضعیف ، از قبیل ضعف در مهارت های ارزیابی و اعتبار سنجی مشتریان، اخذ تعهد و تضمین یا اجرای یک برنامه انبساطی تسهیلات، در کنار نبود انگیزه برای شناسایی مشکل در فرآیند اعطای تسهیلات در ابتدای راه و اتخاذ اقدامات اصلاحی مناسب. تمرکز بیش از اندازه بر روی مدلهای کسب و کار شامل تامین مالی، تسهیلات‌دهی، سرمایه‌گذاریها، منابع درآمدی و ریسک. تمرکز می‌تواند بر محصولات، خطوط کاری، کشورها و نهادهای قانونی باشد و موجب بی‌ثباتی شود.

تمرکز بر اعطای تسهیلات به یک منطقه جغرافیایی یا یک بخش صنعتی خاص سبب بروز مشکلاتی برای بانکها شده است. اگر بانک تنوع در پرتفوی تسهیلات خود را رعایت نکند در معرض ریسک آن منطقه خاص یا گروهی از شرکتهای مرتبط قرار خواهد گرفت.

تمرکز در پرتفوی سرمایه گذاری ها با اعتماد بیش از حد به موسسات رتبه بندی اعتباری، می‌تواند منجر به افزایش ریسک شود.

عدم توازن ساختاری در وضعیت نقدینگی بانک، می‌تواند به طور مثال توسط ساختار سررسید ناپایدار ، نسبت تسهیلات به سپرده بالا یا سهم کم منابع مالی بابت از کل منابع (بدهی ها)، ایجاد شده باشد.

ریسک پذیری بیش از حد، مانند ورود به معاملات سفته بازی. این امر ممکن است زمانی اتفاق بیافتد که طرح پرداخت پاداش براساس عملکرد کوتاه مدت باشد(یعنی افزایش کوتاه مدت در سود بانک، درآمد یا قیمت سهام). زمانی که پرداختها صرفاً مرتبط با هدفهای عملکردی و با توجه به پذیرش ریسک نباشند، مدیران تمایل به تقبل ریسک بالاتری می‌یابند. آنها همچنین از سرمایه‌گذاری در زمینه بخش کنترل، فعالیتهای مدیریت ریسک و بخش IT به عنوان وسایل مورد نیاز برای نظارت و ارزیابی ریسک غافل خواهند شد. ریسک‌پذیری بالا ممکن است زمانی که فرهنگ یک بانک به سمت افزایش سود سالانه جهت‌گیری می‌کند نیز به وجود آید. دلایل دیگر می‌تواند شامل ضعف در فرهنگ ریسک و حاکمیت ، کمبود تجربه ریسک و مهارتهای آن در سطح مدیران ارشد اجرایی و مدیران غیر اجرایی، کمبود تاثیر پذیری از عملکرد ریسک و ضعف در راههای اندازه‌گیری و گزارش‌دهی ریسک باشد.

لغو محدودیتها در سیاستها و رویه‌های موجود، به طور مثال محدودیت‌ها بر وضعیت تمرکز، تسهیلات به اشخاص مرتبط، ارزش در معرض خطر در پرتفوی سرمایه‌گذاری و ارز و سطح تحمل ریسک نقدینگی. نبود مدیریت مشارکتی در بانک‌ها می‌تواند سیاستها و روشها را به وسیله نفوذ فردی، تسلط مالکیت یا استفاده از قدرت و پست سازمانی پایمال کند. در بانکهای بخش عمومی این مشکل می‌تواند از طریق مداخلات سیاسی نیز به وجود آید.

- رشد بیش از اندازه ترازنامه. در زمان بحران، بعضی از بانکها درک و کنترل محدودی بر پتانسیل رشد ترازنامه و نیازهای نقدینگی شامل نیازهای تامین مالی برون مرزی خود داشتند. به عبارت دیگر، آنها در قیمت گذاری مناسب ریسک به ویژه در اقلام زیر خط ترازنامه که ممکن است نیاز به تامین مالی داشته باشند، در شرایط بحران ناموفق بودند. بعضی مدیران ارشد نیز در فکر استقرار مکانیزمهای نظارتی بر اجرای تصمیمات استراتژیک مانند رشد ترازنامه نبودند.

□ تقلب یا فعالیتهای مجرمانه و انجام معاملات به نفع خود به طور فردی یا با همکاری افراد دیگر.